

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۳

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۲

مفسران اهل سنت، اثبات یا انکار مهدویت

عبدالحسین خسروپناه*

مصطفی ورمزیار**

چکیده

علمای اهل سنت، مهدویت را یک باور اصیل اسلامی و برگرفته از روایات صحیح می دانند. مفسران آنان نیز با الفاظ صریح یا بیان روایات و تحلیل های در ضمن تفسیر، اعتقاد خود را به این باور اعلام کرده اند؛ اما برخی از آنان متأثر از افرادی مانند ابن خلدون، در صحت این باور تردید کرده، با تمسک به اشکال هایی همچون عدم اعتماد به روایات مهدویت به دلیل ضعف اسناد یا وجود انگیزه جعل، بروز آثار زیان بار بر اثر اعتقاد به این آموزه و عدم امکان تحقق خارجی این وعده، آن را انکار نموده اند. این نوشتار با تقسیم منکران مهدویت به دو قسم «مخالفان باور به مهدویت» و «انکارکنندگان آموزه های شیعی مهدوی» به اشکالات آنان پاسخ داده است.

واژگان کلیدی

مهدویت، امام مهدی علیه السلام، انکار مهدویت، تفسیر، مفسران اهل سنت، ابن خلدون.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم

** کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن (نویسنده مسئول) (mova277@yahoo.com)

مقدمه

قرآن به عنوان معجزه پیامبر اسلام ﷺ و راهنمای هدایت بشریت، در کنار سنت مهم ترین منبع شناخت عقاید، احکام، اخلاق و دیگر معارف اسلام است و در راستای فهم آن، کتاب های بسیاری به نام «تفسیر» نگاشته شده و می شود. کتاب های تفسیر هر فرقه از مذاهب اسلامی، بیان گر گزیده ای از عقاید، احکام و اصول اخلاقی آنان است و بر همین اساس، منبع درخور توجهی برای شناخت معارف آن مذهب، به ویژه مسائل اعتقادی پیروان آن به شمار می رود. مفسران اهل سنت نیز در ضمن بیان فهم خود از آیات قرآن، عقاید، احکام و مبانی اخلاقی خویش را نیز تبیین کرده اند. از این رو واکاوی تفاسیر آنان با رویکرد مهدوی، نقشی مهم در فهمیدن عقاید آنان نسبت به این آموزه بالنده دارد.

آشنایی با کلیدواژه ها

امام

«امام» در لغت کسی است که به او اقتدا می شود (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۸۶۵) و در کارها مقدم می گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۸) و جمع آن «ائم» است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۸۶۵).

در اصطلاح شیعه، امام در معنایی خاص به کار می رود و به معنای وصی و جانشین پیامبر اسلام ﷺ و رهبر جامعه اسلامی بعد از ایشان است. بنابر اعتقاد شیعه، ائمه علیهم السلام دوازده نفرند و آخرین آنان امام مهدی علیهم السلام است.

این لفظ در فرهنگ اهل سنت معنای دیگری داشته و به معنای پیشوا و صاحب نام استفاده می شود. به سران مذاهب و صاحبان کتب مهم حدیثی و تفسیری نیز امام می گویند. اما شاید دلیل این که به امام مهدی علیهم السلام امام گفته می شود، روایت پیامبر ﷺ درباره دوازده امام یا روایتی که بیان گر امامت ایشان بر عیسی بن مریم علیهما السلام در نماز جماعت است بوده و مراد ایشان امامت در اصطلاح شیعه نیست.

مهدی علیهم السلام

«مهدی» در لغت، اسم مفعول از ریشه هدی به معنای هدایت شده، به کسی گفته می شود که خداوند او را به سوی حق هدایت کرده است (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۵، ۲۵۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۵، ۳۵۴).

مهدی از القابی است که اهل سنت درباره حضرت به کار می‌برند. مشهور شدن این لقب در بین اهل سنت به سبب روایات فراوانی است که در آن‌ها از حضرت به این نام یاد شده است (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۳۷؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۵۷).

تفسیر و کتب تفسیری

«تفسیر» در لغت از ریشه سفر یا فسر به معنای روشن شدن (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۸۱)، بیان و توضیح (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۰۴)، جداسازی (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۴۹)، برداشتن حجاب و پرده (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۸۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۴۹)، کشف کردن معنای معقول (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۴۹) و بیان معنای الفاظ مشکل (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۵، ۵۵) است. در اصطلاح نیز به معنای کشف و پرده‌برداری از ابهام کلمات و جمله‌های قرآن و نیز توضیح مقاصد و اهداف آن‌هاست. به عبارت دیگر مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۸).

مراد ما از تفاسیر اهل سنت، تفاسیر ترتیبی آنان است؛ خواه گرایش نقلی داشته باشند (تفاسیر قرآنی و روایی)، خواه عقلی و اجتهادی. بنابراین، تفاسیر موضوعی، تفسیر تک‌سوره‌ای و کتاب‌های علوم قرآن آنان از مقصود این نوشتار خارج است.

در این نوشتار، بیش از صد دوره تفسیر اهل سنت مورد واکاوی قرار گرفته است و از جهت پراکندگی زمانی، از تفاسیر قرون اولیه تا تفاسیر معاصران آنان را در بر می‌گیرد که در این میان، برخی از تفاسیر اهل سنت (حدود ۲۵٪) حتی در حد نقل یک روایت نیز به موضوع مهدویت اشاره‌ای نکرده‌اند.

اهل سنت

مراد از اهل سنت در این پژوهش، هر فرقه و مذهبی از مذاهب اسلامی است که خلفای اربعه را به خلافت پذیرفته باشد و حضرت علی علیه السلام را خلیفه بلافصل پیامبر نداند. بنابراین تعریف، خوارج و نواصب و همچنین فرقه‌های مختلف شیعی از دایره این تحقیق خارج‌اند.

اصل اعتقاد به امام مهدی علیه السلام در تفاسیر اهل سنت

مفسران اهل سنت مانند سایر علمای آنان، اصل مهدویت را به عنوان

باوری اصیل و اسلامی پذیرفته و با نقل روایات در ذیل آیات مربوطه به تحلیل و بررسی این آموزه غنی پرداخته و نقش و جایگاه اجتماعی، سیاسی و... آن را مورد کاوش قرار داده‌اند.

متأسفانه این باور اصیل در برخی از تفاسیر آنان، از تعدی منکران مهدویت مصون نمانده و افزون بر انکار اصل مهدویت، گستره آن را تنها به چند حدیث ضعیف از پیامبر گرامی اسلام ﷺ محدود می‌دانند. در این بخش در ضمن ارائه مطالبی از تفاسیر اهل سنت، ریشه‌داری این باور به اثبات می‌رسد.

می‌توان نگاشته‌های مربوط به مهدی باوری در تفاسیر اهل سنت را به دو بخش عمده تقسیم کرد:

الف) مواردی که به باورداشت مهدویت تصریح و آن را تأیید می‌کنند.
ب) مواردی که به صورت غیرمستقیم با بیان روایت یا ذکر مباحث مهدویت این باورداشت از آن‌ها استفاده می‌شود.

کلمات صریح مفسران در باور به مهدویت

- امام مهدی ﷺ بشارت داده شده احادیث است (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴، ذیل آیه ۱۲ مائده).

- در فضیلت مهدی ﷺ آن قدر مطلب هست که قلم توانایی نوشتن آن را ندارد (ملاحویش، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۹۷، ذیل آیات ۲۱-۳۰ طه). این خود از بهترین تعبیرها در باورداشت مهدویت به شمار می‌رود.

- اخبار صحیح متواتر امام مهدی ﷺ را از نسل پیامبر ﷺ و حضرت زهرا ﷺ می‌دانند (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۲۱-۱۲۲) و سند احادیث مربوط به اتصال نسب امام مهدی ﷺ به پیامبر ﷺ در مقایسه با سایر احادیث، صحیح‌تر است (همو: ۱۲۲). قرطبی در این تعبیرها دست کم بخشی از احادیث مهدویت - که مربوط به نسب امام مهدی ﷺ است - را صحیح و متواتر خوانده است.

- اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی ﷺ در نماز جماعت، مشهور و مورد پذیرش بیشتر اهل علم (آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۲۱۴) و اکثریت (همو: ج ۱۳، ۹۵) است.

- این عقیده در بین مسلمانان اعم از عالم و جاهل عمومی بوده و دارای احادیث فراوان است و این اندیشه در امت اسلامی ریشه دوانده و تثبیت شده است (طنطاوی جوهری، بی‌تا:

مج ۶، ج ۱۱-۱۲، ۱۶-۱۷، ذیل آیه ۱ حج).

- مسلمانان منتظر مهدی علیه السلام و عیسی علیه السلام هستند (رشیدرضا، بی تا: ج ۹، ۴۸۹، ذیل آیه ۱۸۷ اعراف؛ طه الدر، ۱۴۱۰: ج ۱۲، جزء ۲۳-۲۴، ۵۹۱)

- خاص و عام می دانند که در نشانه های قیامت روایاتی وارد شده مبنی بر این که مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به نام مهدی قیام خواهد کرد (رشیدرضا، بی تا: ج ۶، ۵۷، ذیل آیه ۱۵۷ نساء).

اگرچه افرادی مانند آلوسی، رشیدرضا و طنطاوی در برخی موارد به اصل مهدویت تاخته اند، اما بر شهرت و ریشه داری این باور در جامعه اسلامی معترف اند.

باور ضمنی و غیر مستقیم به مهدویت

به جز تعبیر صریح در باورداشت مهدویت، مفسران اهل سنت، روایات و مباحث مهدوی را مطرح کرده اند و بیان چنین مطالبی بدون اظهار نظر و موضع گیری بر خلاف آن، به صورت ضمنی و غیرمستقیم از باور به اصل این آموزه حکایت دارد.

باورداشت مهدویت با بیان اخبار و آثار^۱ مهدوی

- در تفسیر آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۴) از سدی^۲ نقل کرده اند که خزی و خواری آن ها در دنیا به این است که وقتی مهدی صلی الله علیه و آله قیام می کند، قسطنطنیه را فتح کرده و آنان را می کشد (طبری، ۱۴۱۵: ج ۱، ۶۹۹؛ رازی، بی تا: ج ۱، ۲۱۱ و ج ۴، ۱۱۳۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۶۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۵۲۹؛ ابن عادل، بی تا: ج ۲، ۵۳؛ سیوطی، بی تا: ج ۱، ۱۰۸؛ شوکانی، بی تا: ج ۱، ۱۳۲؛ قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ج ۱، ۱۸۳).

۱. بنابر دیدگاه اهل سنت، به روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، لفظ «خبر» و به مواردی که از صحابه بدون استناد به پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند، لفظ «اثر» اطلاق می شود. در حجیت اثر و قول صحابی بین ایشان اختلاف است؛ گروهی از آنان اقوال صحابه را مانند روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله حجت می دانند (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۲۹۶ عن الشيخين المسلم والبخاري؛ غزالی، ۱۴۱۷: ۱۶۸، نقلاً عن قوم) و آن ها را در منابع روایی خود نقل می کنند. عده ای نیز این کلام را نپذیرفته و آن را حجت نمی دانند (غزالی، ۱۴۱۷: ۱۶۸؛ فخر رازی، ۱۴۱۲: ج ۶، ۱۲۹). در این نوشتار چون نقل کلام - اعم از خبر و اثر - موضوعیت دارد، بیان آثار صحابه و تابعین در بخش روایات آورده می شود.

۲. یکی از تابعین که دارای دیدگاه های تفسیری است.

- در ضمن تفسیر سلسله آیات پیروزی نهایی اسلام،^۱ با نقل روایاتی تحقق این آرمان را در زمان خروج امام مهدی (عج) می‌دانند و نقل می‌کنند که کسی باقی نمی‌ماند، مگر این که به دین اسلام می‌گردد (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۳۵۲ و ج ۵، ۳۴ - ۳۵؛ فخر رازی، بی‌تا: ج ۱۶، ۴۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۲۱؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۵، ۳۴؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۵۸؛ ابن عادل، بی‌تا: ج ۸، ۲۶۶؛ خطیب شربینی، بی‌تا: ج ۱، ۱۳۱۲؛ قماش، بی‌تا: ج ۲۵، ۱۹۶ و ج ۲۶، ۲۶۲).

- در ضمن تفسیر آیات ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا * عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُدتُمْ عُدتُمْ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾ (اسرا: ۷-۸) درباره شکست بنی اسرائیل، به غارت رفتن اموال مسجد الاقصی، مقدار اموال و برگرداندن اموال به بیت المقدس توسط امام مهدی (عج) روایاتی نقل کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۵: ج ۱۵، ۳۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۷۰؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۳، ۹۸؛ سیوطی، بی‌تا: ج ۴، ۱۶۵؛ نووی الجاوی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۶۱۸؛ طه الدرة، ۱۴۱۰: ج ۸، جزء ۱۵ - ۱۶، ۲۰).

- در تفسیر آیه ﴿إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ (کهف: ۱۰) روایت سلام کردن امام مهدی (عج) بر اصحاب کهف را در آخرالزمان مطرح می‌کنند (اسفراینی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۳۰۷).

- در ضمن تفسیر آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵) که بیان گر وعده خداوند مبنی بر حکومت پایانی صالحان بر زمین است - درباره امام مهدی (عج) و ویژگی‌های حکومت ایشان روایات متعددی به چشم می‌خورد (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴ و ج ۳، ۳۱۲؛ حوی، بی‌تا: ج ۷، ۳۸۱۳).

- در آیه ﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (سجده: ۲۱) با نقل روایت، عذاب اکبر را به قیام امام مهدی (عج) با شمشیر تفسیر کرده‌اند (سلمی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۵۵۳؛ سمعانی، ۱۴۱۸: ج ۴، ۲۵۲؛ ماوردی، بی‌تا: ج ۴، ۳۶۵؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۷، ۱۹۸؛

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)
«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا». (فتح: ۲۸)

اطفیش، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ۱۸۸).

- در ذیل آیه «وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (زخرف: ۶۱-۶۲) و آیات مربوط به حضرت عیسی (علیه السلام) درباره اقتدای آن حضرت به امام مهدی (علیه السلام) در نماز جماعت، روایات بسیاری به چشم می خورد (فخررازی، بی تا: ج ۲۷، ۲۲۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۶، ۱۰۶؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۲۲۶ - ۲۲۷؛ بقاعی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۳۰۷؛ خطیب شربینی، بی تا: ج ۳، ۵۷۰؛ ابن عجبیه، ۱۴۲۲: ج ۵، ۲۶۰؛ شاذلی، ۱۴۱۲: ج ۵، ۳۱۹۹؛ اطفیش، ۱۴۰۷: ج ۱۲، ۵۱ - ۵۲؛ قماش، بی تا: ج ۱۳، ۳۵۳).

روایات دیگری با مضامین متنوع مهدوی، به مناسبت های مختلف در تفاسیرشان نقل شده است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۹۸ - ۱۹۹ و ۵۲۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۸۲ و ج ۸، ۳۰۳ و ۳۱۲؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۸۸ و ۵۰۴ و ج ۳، ۱۷۹۱ و ج ۴، ۲۲۳۵؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۲۵ و ج ۲، ۱۳۷؛ نسفی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۵۶؛ فخررازی، بی تا: ج ۲، ۲۸؛ سیوطی، بی تا: ج ۴، ۲۱۵ و ج ۵، ۲۴۱ و ج ۶، ۵۷ - ۵۸؛ حقی بروسی، بی تا: ج ۲، ۲۶ و ج ۳، ۱۲۴ و ج ۴، ۴۱۶ و ج ۴، ۳۴۶ و ج ۶، ۱۴۸ و ج ۷، ۳۷۲ و ج ۸، ۱۸۹ و ج ۸، ۲۸۶ و ج ۹، ۳۸۴ و ج ۹، ۲۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۲۰؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۱۳، ۳۱۲ - ۳۱۳؛ عزة دروزة، ۱۴۲۱: ج ۹، ۱۶۰؛ قماش، بی تا: ج ۱۲، ۲۹۳ و ج ۱۵، ۲۷۰ و ج ۲۳، ۲۸۴) که اگرچه بر باور به مهدویت تصریح ندارند، اما با ذکر این روایات در تفاسیرشان و اظهار نکردن مخالفت خود، بر اصل مهدویت صحنه گذاشته اند.

باورداشت مهدویت با ارائه مطالب و مباحث تحلیلی (غیرروایی)

مفسران اهل سنت به موضوع مهدویت و شاخه های آن اشاره کرده و در برخی موارد تحلیل و بررسی مفصّلی انجام داده اند.

پایان تاریخ و سرنوشت ادیان و اقوام: آنان در گفت و گواز حکومت پایانی جهان، به موضوع مهدویت اشاره کرده اند (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۲۹۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۱، ۴۷؛ اطفیش، ۱۴۰۷: ج ۴، ۳۶۳ و ج ۸، ۳۷۸؛ قماش، بی تا: ج ۲۵، ۱۹۶ و ج ۲۶، ۲۶۲).

همچنین در صحبت از سرنوشت ادیان و اقوام - به ویژه قوم یهود - موضوع حکومت مهدوی مطرح شده است (قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ج ۲، ۵۹۹).

بدیهی است سخن از اصل حکومت، چگونگی و ویژگی های آن حاکی از باور به این

آموزه است.

شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج) و یاران: در برخی موارد به تناسب گفت‌وگو درباره شخصیت و مقام امام مهدی (عج) و اصحاب و یاران آن حضرت، مطالبی در ضمن آیات بیان شده که از باور به این آموزه حکایت دارد (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۱ - ۳۲، ۱۲۴، ۲۶۰؛ همو، ۱۴۲۱: ج ۳، ۲۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۳۰۸؛ حقی بروسى، بی‌تا: ج ۳، ۴۱۶ و ج ۷، ۱۸۹ و ج ۸، ۳۸۴؛ قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ج ۲، ۵۹۹؛ شنقیطی، ۱۴۱۵: ج ۷، ۳۷۶ - ۳۷۷؛ فخر رازی، بی‌تا: ج ۲، ۲۸).

ظهور و حکومت امام مهدی (عج): در بحث از زمان خروج و قیام امام مهدی (عج) و سایر ویژگی‌های آن، مطالبی گفته شده که نشان دهنده باور به این عقیده است (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۸۰ و ۴۱۸ - ۴۲۰ و ج ۲، ۱۳۹، ۱۹۵، ۲۲۷، ۲۴۱، ۳۲۰ - ۳۲۱؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۲، ۶۰۵؛ حقی بروسى، بی‌تا: ج ۳، ۲۵۳ و ج ۴، ۳۴۶ و ج ۷، ۳۹۱ و ج ۹، ۱۱۷، ۲۶۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۳، ۲۱۰؛ قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ج ۲، ۵۹۹).

وقایع و حوادث بعد از ظهور: در موضوع فرود آمدن حضرت عیسی (ع) بر زمین و شرکت ایشان در نماز جماعت مسلمانان و حوادث آن زمان، مطالبی درباره امام مهدی (عج) نقل شده که به صورت غیرمستقیم حاکی از باور به مهدویت است (حقی بروسى، بی‌تا: ج ۴، ۲۷ و ج ۷، ۴۹۸ و ج ۸، ۳۸۴؛ قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ج ۲، ۵۹۹؛ ملا حویش، ۱۳۸۲: ج ۴، ۸۲). همچنین در برخی موارد به واقعه یا جریانی اشاره شده و گفته می‌شود که این امر تا قیام امام مهدی (عج) ادامه دارد (حقی بروسى، بی‌تا: ج ۳، ۲۵۳ و ج ۵، ۲۴۴، ۳۸۱).

انکار مهدویت در تفاسیر اهل سنت

در بین علمای قدیم اهل سنت نمی‌توان کسی را یافت که اصل مهدویت را انکار کند و در مقابل آن موضع‌گیری کند، بلکه یا درباره آن اظهار نظر نکرده‌اند، یا ولو به اندازه بیان چند روایت، اعتقاد به این آموزه را اعلان نموده‌اند.

شاید بتوان نخستین جرقه‌های انکار مهدویت را در سخن کسانی دانست که روایت: «لا مهدی الا عیسی بن مریم» را نقل می‌کنند. اگرچه این خبر به صورت ضمنی بر وجود امام مهدی (عج) صحه می‌گذارد، اما در عین حال حضرت عیسی (ع) را به عنوان مصداق مهدی معرفی می‌کند و به نوعی انکار مهدویت است (بستوی، ۱۴۲۰: ۳۰).

بسیاری از حدیث‌شناسان اهل سنت در برخورد با این روایت، یا سند آن را تضعیف کرده و مردود دانسته‌اند (مبارکفوری، ۱۴۱۰: ج ۶، ۴۰۲؛ عظیم‌آبادی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۲۴۴؛ بستوی، ۱۴۲۰: ۳۰) و یا درصدد توجیه آن برآمده‌اند (مناوی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۶۶ و ج ۵، ۴۲۲ - ۴۲۳ و ج ۶، ۳۶۲).

نخستین شخصی که به صراحت در مقابل عقیده مهدویت موضع‌گیری کرده ابن‌خلدون (۸۰۸ق) است. بسیاری از علمای اهل سنت با ادعای وی مخالفت کرده و در پاسخ به او کتاب‌ها و مقالاتی نوشته‌اند.^۱ در عین حال، این تفکر تأثیر خود را در افکار نویسندگان و صاحب‌نظران متأخر از ابن‌خلدون - از جمله مفسران - گذاشت و به دلیل شهرت وی، آنان کلامش را بدون تحقیق پذیرفته و احادیث مهدویت را انکار کردند (بستوی، ۱۴۲۰: ۳۲).

مفسران و انکار آموزه مهدویت

برای تبیین بهتر واقعیت مسئله، مخالفت مفسران با مهدویت به دو دسته «انکار اصل مهدویت» و «موضع‌گیری در برابر عقاید شیعه نسبت به آموزه مهدویت» تقسیم می‌شود؛ زیرا اگر این دو دسته به طور مشخص از هم تفکیک نشود، برخی می‌پندارند که بیشتر مفسران اهل سنت، مهدویت را قبول ندارند یا در کلام‌شان تعارض و تناقض وجود دارد و در جایی این آموزه را قبول و در جای دیگر رد کرده‌اند؛ در حالی که در بیشتر موارد، این رد و نقد، به اصل مهدویت برنمی‌گردد، بلکه نقد عقاید مذاهب و گروه‌های دیگر در جزئیات این آموزه است.

۱. منکران اصل مهدویت

اعتقاد به ظهور مهدی موعود علیه السلام تا آن جا مورد پذیرش علمای اهل سنت بوده که برخی از آنان با تمسک به روایات «من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم» (عسقلانی، ۱۳۹۰: ج ۵، ۱۳۰) و «من کذب بالمهدی فقد کفر» (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۱۵۷) منکر امام مهدی علیه السلام را کافر می‌دانند.^۲

۱. به عنوان نمونه به مواردی از این کتاب‌ها اشاره می‌شود: کتاب *ابراز الوهم المکنون من کلام ابن‌خلدون*، عبدالله بن محمد الصدیق ابوالفیض الغماری الحسنى الشافعی (۱۳۸۰ق)، کتاب *الد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی*، الشیخ عبدالمحسن العباد (معاصر)، کتاب *الاحتجاج بالاثار علی من انکر المهدی المنتظر*، الشیخ حمود بن عبدالله التویجری (معاصر) (برای توضیح بیشتر، نک: فقیه ایمانی، ۱۴۱۸).

۲. متقی هندی در کتاب *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان* فتوای جمعی از علمای اهل سنت را درباره کفر منکر مهدی علیه السلام آورده است. (متقی هندی، ۱۳۹۹: ۱۷۷ - ۱۸۳)

در عین حال، عده کمی مانند طنطاوی مصری صاحب *تفسیر الجواهر* و محمد رشیدرضا صاحب *تفسیر المنار* به پیروی از ابن خلدون، با شدت و اصرار در مقابل عقیده مهدویت جبهه گیری کرده اند.

طنطاوی می نویسد:

من کسی را ندیدم که بهتر از ابن خلدون احادیث مهدی علیه السلام را شرح داده و نقد کرده باشد. وی در سند روایات مهدی علیه السلام خدشه وارد کرده و من می خواهم این کلام را به طور مختصر بیان کنم تا عالم اسلام را از این انحراف دور کنم. (طنطاوی جوهری، بی تا: مج ۶، ج ۱۱-۱۲، ۱۶)

آن گاه خلاصه ای از کلام ابن خلدون بیان می کند و می گوید:

اندیشه مهدویت باعث ضعف و سستی در امت اسلامی می شود. (همو)

او در جایی دیگر به انتظار امام مهدی علیه السلام حمله کرده و می گوید:

وای به حال کسانی که منتظر آمدن مهدی علیه السلام هستند تا بیاید و نسل آن ها را هدایت کند، مانند این که نه خداوند هدایت کننده است و نه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وظیفه هدایت داشته است. (همو: مج ۸، ج ۱۵-۱۶، ۲۱۷-۲۱۸)

همچنین گفته است که احادیث مهدی علیه السلام همگی مورد خدشه هستند (همو: ۲۱۵). رشیدرضا نیز کلام ابن خلدون را نقل کرده و تأیید می کند (رشیدرضا، بی تا: ج ۹، ۴۹۹). وی مسئله مهدویت را ساخته سیاست بازان دانسته، روایات آن را ضعیف می شمرد (همو: ۴۸۲ و ج ۱۰، ۳۹۳-۳۹۴) و آن ها را ساخته کعب الاحبار می داند (همو: ۵۰۱-۵۰۴). همچنین می گوید:

روایات مهدی علیه السلام متعارض و غیر قابل جمع است و منکران فراوانی دارد. برای همین شیخین (مسلم و بخاری) در کتاب هایشان به آن ها اعتماد نکرده و چیزی از این روایات را نقل نمی نمایند. (همو: ج ۹، ۴۹۹)

او در ادامه، عقیده مهدویت را موجب فساد و فتنه می داند.

گروهی دیگر از مفسران با وجود باور به اصل مهدویت، متأثر از جو ایجاد شده توسط ابن خلدون، روایات مهدوی را مورد حمله قرار داده اند؛ چنان که صاحب *تفسیر التحریر و التنویر* نیز احادیث مهدویت را ساخته دست سیاست بازان می داند (ابن عاشور، بی تا: ج ۱، ۶۱۱). مراغی نیز در *تفسیر خود* می گوید:

اکثر علما احادیث مهدویت را رد کرده و گفته‌اند ساختگی است و برای همین شیخان در صحیحین به آن‌ها اعتنا نکرده‌اند. (مراغی، بی‌تا: ج ۹، ۱۳۳-۱۳۴)

آن‌گاه او کلام ابن خلدون را نقل کرده و تأیید می‌کند. وی در ادامه عقیده به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه را باعث فساد و فتنه در گروه‌های اسلامی برشمرده و آن را دستاویز مدعیان حکومت می‌داند (همو).

البته در ضمن بیان انگیزه‌ها و علل انکار، پاسخ این سخنان داده خواهد شد.

۲. منکران مهدویت به باور شیعه

برخی دیگر از مفسران اهل سنت، با پذیرش و باور اصل مهدویت، به عقاید شیعه یا سایر فرق اسلامی نسبت به این آموزه نقدهایی دارند. این عده، اکثریت ناقدان را تشکیل می‌دهند که یک اندیشه خاص را درباره مهدویت نقد کرده و نپذیرفته‌اند. به باور ما این موارد، مخالفت با اصل مهدویت نیست، بلکه نقد باور شیعه و سایر مذاهب به مهدویت، یا نقد یک دیدگاه تفسیری به شمار می‌آید؛ از این‌رو از دایره و حوصله این پژوهش خارج است.^۱

علل و انگیزه‌های انکار

در برخی تفاسیر اهل سنت، در کنار رد آموزه مهدویت، دلیل و انگیزه نپذیرفتن این اعتقاد مطرح شده است که می‌توان این دلایل را در سه محور بررسی کرد:

۱. اعتماد نداشتن به روایات مهدوی

از جمله دلایل منکران مهدویت، عدم اعتماد به روایات آن است و برای بی‌اعتمادی خود دلایلی ذکر می‌کنند:

الف) ضعف در اسناد روایات: عمده دلیل مخالفان مهدویت، از جمله ابن خلدون برای اعتماد نکردن به اخبار مربوط به این آموزه، ضعف راویان آن‌هاست؛ مسئله‌ای که برخی تفاسیر اهل سنت نیز به آن اشاره کرده‌اند (رشید رضا، بی‌تا: ج ۹، ۴۸۲ و ج ۱۰، ۳۹۳-۳۹۴؛ مراغی، بی‌تا: ج ۹، ۱۳۳-۱۳۴؛ طنطاوی جوهری، بی‌تا: مج ۶، ج ۱۱-۱۲، ۱۶-۱۷).

پاسخ: ابن خلدون در تحقیق خود، حدود سی روایت را از جهت سندی بررسی کرده و آن‌ها

۱. علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب نگارنده با عنوان *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه مفسران اهل سنت* (در دست چاپ) مراجعه کنند.

را مردود دانسته است. بر فرض این که وی در بررسی سند این روایات، قواعد تخصصی اعتبارسنجی حدیث را رعایت کرده باشد - که نکرده است^۱ - اخبار آموزه مهدویت محدود به چند روایت نقل شده توسط وی یا دیگران نیست؛ بلکه این موضوع در منابع اولیه و مجامع روایی اهل سنت، اخبار فراوانی دارد.

شهرت روایات این آموزه به حدی است که علاوه بر نقل احادیث در مجامع روایی، در این باره کتاب‌های مستقل حدیثی نیز نگاشته شده است (برای توضیح بیشتر، نک: فقیه ایمانی، ۱۴۱۸).

افزون بر این، عبدالعظیم بستوی احادیث صحیح‌ه مهدویت را در کتاب مستقلی به نام *المهدی المنتظر* علیه السلام فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة واقوال العلماء وآراء الفرق المختلفة به همراه مبانی رجالی صحت آن‌ها از دیدگاه اهل سنت جمع‌آوری کرده است.

صاحب کتاب *الاذاعة* درباره تواتر اخبار مهدویت به نقل از شوکانی در کتاب *التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر والدجال والمسیح* می‌نویسد:

احادیث وارده درباره مهدی علیه السلام - که امکان وقوف بر آن‌ها میسر گردیده - پنجاه حدیث است که در بین آن‌ها صحیح، حسن، ضعیف، و منجبر وجود دارد. این احادیث بدون هیچ شک و شبهه‌ای متواترند. (قنوجی بخاری، ۱۴۲۱: ۱۲۶)

با این حال، سخن گفتن از این که آموزه مهدویت روایتی صحیح ندارد، نشان دهنده غرض‌ورزی، ناآگاهی یا کم‌توجهی است.

ب) **تعارض روایات:** برخی تفاسیر به دلیل وجود تعارض در روایات مهدویت، آن‌ها را مردود دانسته و غیرقابل اعتماد می‌دانند (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۹، ۴۹۹، ۵۰۱ - ۵۰۴ و ج ۱۰، ۳۹۳-۳۹۴).

پاسخ: در برخورد با روایات متعارض باید قواعد تعارض مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله این که بین خبر معتبر و غیرمعتبر تعارضی نیست. از این رو ابتدا باید اخبار ضعیف را جدا کرده و کنار گذاشت، سپس اگر باز بین روایات مورد اعتماد تعارض باقی بود، تا آن جا که امکان

۱. عبدالعظیم بستوی می‌نویسد: «مورخ مشهور ابن خلدون ادعا می‌کند احادیث مهدویت را بر اساس قواعد نقد حدیث که نزد محدثان ثابت و محکم است، بررسی و رد کرده، در حالی که این کار انجام نشده است.» (بستوی، ۱۴۲۰: ۳۲). او در جایی دیگر از ناصرالدین البانی در کتاب *تخریج أحادیث فضائل الشام ودمشق* نقل می‌کند که وی تضعیف ابن خلدون را نپذیرفته و او را متخصص فن شناخت احادیث نمی‌داند.

دارد بین روایات جمع دلالی کرد و با قرائن و شواهد تنافی را برطرف نمود و در مرحله بعد، اگر قابل جمع نبود با عرضه روایات بر قرآن و قواعد محکم شریعت، یک جانب را ترجیح داد و اگر هیچ کدام از این راه‌ها به نتیجه نرسید، بدون اظهار نظر درباره صحت و ضعف هیچ طرف، به اصطلاح علم اصول، توقف کرد و علم آن را به اهلش^۱ واگذار نمود؛ اما این که به محض دیدن تعارض در روایات، حکم به ضعف همه کرد، نشان از ناآگاهی از قواعد برخورد با احادیث دارد.

ج) وجود انگیزه‌های زیاد برای جعل: در بعضی از تفاسیر، وجود انگیزه‌های ملی‌گرایانه، تعصب مذهبی، قبیله‌ای، سیاسی و... برای جعل احادیث مهدویت را علت مخالفت با اصل مهدویت بیان کرده‌اند (رشیدرضا، بی تا: ج ۹، ۴۸۲، ۴۹۹، ۵۰۱-۵۰۴، ج ۱۰، ۳۹۳-۳۹۴؛ مراغی، بی تا: ج ۹، ۱۳۴؛ ابن عاشور، بی تا: ج ۱، ۶۱۱) و گفته‌اند احادیث مهدی توسط سیاست‌بازان و... جعل شده و قابل اعتماد نیست.

پاسخ: تنها وجود انگیزه برای جعل یک حدیث نمی‌تواند دلیل بر بی اعتباری آن باشد؛ حتی خبر واحد - که از پایین ترین درجه اعتبار برخوردار است - را نیز به صرف وجود انگیزه برای جعل، نمی‌توان مردود دانست، چه رسد به احادیث مهدویت که از نظر تعداد به حد تواتر معنوی^۲ رسیده‌اند.

بنابراین برای حکم به ضعف یک حدیث یا یک دسته از اخبار، باید سند هر کدام بررسی شود و چنان چه سند صحیح و قابل اعتمادی یافت نشد، حکم به بی اعتباری آن‌ها کرد.

۲. اندیشه مهدویت دارای آثار زیان بار

از دیگر دلایل منکران این آموزه، این است که اندیشه مهدویت و اعتقاد به آمدن امام مهدی (عج) آثاری مخرب و زیان بار دارد؛ از قبیل:

الف) سوء استفاده سیاسی توسط حکومت‌های فاسد، احزاب و گروه‌ها: در بسیاری از تفاسیر، دلیل مخالفت با مهدویت، سوء استفاده حاکمان، احزاب و گروه‌های سیاسی از این موضوع بیان شده و تا حدی پیشرفته‌اند که حتی مهدویت را ساخته حکومت‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی برای پیش برد اهداف خود می‌دانند (رشیدرضا، بی تا: ج ۹، ۴۸۲، ۴۹۹، ۵۰۲-۵۰۴ و

۱. مراد از اهل در این جا معصومی است که این روایت از وی نقل شده است.

۲. تواتر معنوی در صورتی محقق می‌شود که بسیاری از روایات یک معنا را ثابت کنند و تمامی اخبار مهدویت به تواتر معنوی وجود شخصی به نام مهدی (عج) را در آخرالزمان به اثبات می‌رسانند.

ج ۱۰، ۳۹۳-۳۹۴؛ ابن عاشور، بی تا: ج ۱، ۶۱۱).

پاسخ: به صرف سوءاستفاده گروهی خاص از یک موضوع، نمی توان حکم به ساختگی بودن آن کرد؛ بلکه باید تاریخچه موضوع و استنادات آن را بررسی کرد و در صورت اثبات اصل آن، با تبیین درست، از استفاده های نابجا و فرصت طلبی ها جلوگیری نمود؛ نه این که با اصل موضوع برخورد کرده و آن را باطل دانست. به بیان دیگر، باید از یک مسئله آسیب زدایی کرد، نه آن که به سبب وجود یک سری مشکلات، صورت مسئله را پاک کنیم.

ب) وجود مدعیان مهدویت و در پی آن، تشکیل فرقه های انحرافی: در بعضی از تفاسیر، وجود مدعیان مهدویت و در پی آن شکل گیری فرقه های انحرافی، بهانه ای برای مخالفت با اصل مهدویت شده است (رشیدرضا، بی تا: ج ۶، ۵۷ و ج ۹، ۴۹۹؛ طنطاوی جوهری، بی تا: مج ۶، ج ۱۱-۱۲، ۱۶ و مج ۸، ج ۱۵-۱۶، ۲۱۵؛ عزة دروزة، ۱۴۲۱: ج ۵، ۲۹۷-۲۹۸).

پاسخ: به نظر می رسد وجود مدعی یا تشکیل یک فرقه انحرافی در پی این ادعاها نه تنها دلیلی بر بی اساسی و بی اعتباری یک موضوع نیست، بلکه دلیلی بر ریشه داری و اصالت آن به شمار می آید؛ زیرا همیشه هنگامی بدل و ادعا مطرح می شود که اصلی در میان باشد و افراد سودجو به دلیل باور عمومی به آن اصل و کم اطلاعی عوام جامعه درباره جزئیات آن، اقدام به مطرح کردن ادعا و فریب مردم می کنند.

ج) مهدویت عامل فتنه ها، درگیری ها و از بین رفتن مسلمانان: برخی از مفسران عامه، مهدویت را عامل ایجاد فتنه در عالم اسلام و کشته شدن مسلمانان می دانند؛ زیرا بر این باورند که با به وجود آمدن مدعیان مهدویت و جمع شدن عده ای بر گرد آنان یا ظهور انقلاب های نجات گرایانه مبتنی بر آموزه مهدویت، حکومت ها و سایر مردم واکنش نشان داده و موضع گیری می کنند و این مسئله سبب فتنه و کشته شدن مسلمانان از هر دو طرف خواهد شد (رشیدرضا، بی تا: ج ۶، ۵۷).

این ادعا به دو گونه قابل نقد است:

۱. انکار ظهور امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان جلوی وقوع فتنه ها را نگرفته و سبب امنیت و اطمینان نمی گردد، همان طور که با وجود تصریح قرآن و روایات به خاتمیت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اعتقاد مسلمانان به آن، باز بسیاری از مدعیان نبوت پیدا شده اند و از این رهگذر، زیان های فراوانی بر مسلمانان وارد گردیده است؛ ولی آن چه همواره در برابر فتنه ها و مصائب به امت مصونیت بخشیده و سلامت، امنیت و رستگاری را تضمین

کرده، پای بندی به شریعت الهی و چنگ زدن به ریسمان خداوندی است (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲).

۲. وجود افراد دیوانه یا شبه مجنون مدعی مهدویت در برخی از دوران‌ها که زیان‌های بسیاری بر مسلمانان وارد ساخته‌اند، بر باورداشت آن‌چه پیامبر ﷺ در احادیث صحیح مدنظر داشتند، تأثیر ندارد. مقصود پیامبر ﷺ اعتقاد به مهدی‌ای است که عیسی علیه السلام پشت سر وی به نماز می‌ایستد. آن‌چه از پیامبر ﷺ به ثبت رسیده، باید مورد تصدیق قرار گیرد و هر مدعی دروغین مهدویت - که در بین مسلمانان تفرقه‌افکنی می‌کند - نابود شود. وظیفه ماست که با پذیرش حق، باطل را رد کنیم، نه این‌که به سبب ادعاهای بی‌اساس مشتی از افراد مفسد و نیرنگ‌باز، حق را مردود و نصوص را کذب بدانیم (همو: ۱۷۳).

۳. اگر عده‌ای با سوء استفاده از یک اندیشه، ادعایی را مطرح کردند و یا به سبب برداشت نادرست، با وجود نهي از اقدام‌های عجولانه و خودسرانه و بدون در نظر گرفتن شرایط، قیام و تحرکی انجام دادند و این حرکت به هلاکت آنان انجامید، نشان‌دهنده ضعف و نادرستی آن آموزه نیست؛ زیرا این‌ها آفات اعتقاد به مهدویت به شمار نمی‌آید، بلکه آثار خباثت، سوء استفاده و کج فهمی اشخاص است و از نظر فتنی برای نقد یک اندیشه و عقیده باید آثار واقعی آن را ارزیابی کرد.

د) مهدویت عامل رکود و رخوت در جامعه اسلامی: برخی مفسران اهل سنت باور به مهدویت و منجی آخرالزمانی را عامل رکود، سستی، دست روی دست گذاشتن و ظلم‌پذیری جامعه اسلامی می‌دانند و به همین دلیل با اصل مهدویت مخالفت کرده‌اند (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۹، ۴۹۹؛ مراغی، بی‌تا: ج ۹، ۱۳۳-۱۳۴؛ طنطاوی جوهری، بی‌تا: مج ۶، ج ۱۱-۱۲، ۱۲-۱۶ و مج ۸، ج ۱۵-۱۶، ۲۱۵).

صاحب تفسیر المنار پس از تصریح به این‌که قیام امام مهدی علیه السلام نیازمند زمینه‌سازی و کار است، وضعیت جامعه اسلامی را در زمان خود تشریح کرده و می‌گوید:

مردم دست از حمایت اصل اسلام کشیده‌اند و منتظر مهدی علیه السلام ایستاده‌اند تا بیاید و مجد و عظمت از دست رفته آنان را بازگرداند و همه چیز را با معجزه اصلاح کند. اگر بنا بود چنین اتفاقی بیفتد برای پیامبر ﷺ انجام می‌شد و آن حضرت و مسلمانان، آن همه متحمل رنج و سختی‌های جهاد نمی‌شدند. (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۹، ۴۹۹)

نویسنده تفسیر الجواهر نیز پس از نقل کلام ابن خلدون، سعادت بشری را در گرو تلاش و

کوشش تمامی جامعه اسلامی می‌داند و انتظار مهدی علیه السلام را در تعارض با این وظیفه عمومی می‌پندارد (طنطاوی جوهری، بی‌تا: مج ۶، ج ۱۱-۱۲، ۱۶-۱۷). وی در جایی دیگر، تکیه و اعتماد مسلمین بر مهدی نجات‌بخش را عامل خواری، زبونی و ضعف تدبیر جامعه اسلامی می‌داند (همو: مج ۸، ج ۱۵-۱۶، ۲۱۵).

تفسیر مراغی نیز پس از ذکر کلام ابن خلدون مبنی بر این که مهدویت عامل رکود جامعه اسلامی است، آن را تأیید می‌کند (مراغی، بی‌تا: ج ۹، ۱۳۳-۱۳۴).

پاسخ ۱: انتظار و باور به منجی موعود به دو گونه عمده «انتظار منفی و ایستا» و «انتظار مثبت و پویا» معنا می‌شود و اثر انتظار بسته به این دو برداشت، با هم متفاوت و بلکه متضاد است. اگر انتظار ظهور را منتظر بودن و دست روی دست گذاشتن بدون هیچ حرکت و اقدامی معنا کنیم، این انتظار سبب رخوت و ایستایی و سایر آثار زیان‌باری است که منتقدان به آن اشاره کرده‌اند.

هنگامی که واژه انتظار به «فرج» و «ظهور» اضافه می‌شود، معنایش درامید به خیر، گشایش و آغاز دولت حق منحصر خواهد شد و منتظر از وضع موجود راضی نیست و در پی فرج و خلاصی از آن است؛ وی به دنبال وضعیت بهتری است و برای رسیدن به آن آینده موعود، زمینه‌سازی می‌کند و خود را مجهز می‌نماید. چنین باورداشتی از انتظار، نه تنها عامل رکود و رخوت و ایستایی جامعه اسلامی نیست، بلکه موجب تحرک، پویایی و خیزش جامعه می‌شود (برای آگاهی بیشتر از معنای انتظار، نک: آصفی، ۱۳۸۳؛ مطهری، ۱۳۸۳: ۷-۸ و ۶۰-۶۳؛ صفایی حائری، ۱۳۸۳: ۱۰-۲۴).

پاسخ ۲: برای نقد یک عقیده به دلیل داشتن پیامد منفی، ابتدا باید ثابت شود که این اثر به آن آموزه مربوط است و به سبب آن، چنین ضایعه‌ای رخ داده است و پیش از اثبات این مهم نمی‌توان به صورت وهمی اثری را به عقیده‌ای ارتباط داد و اصل آن عقیده را انکار کرد.

آنان به پیروی از ابن خلدون ادعا می‌کنند که باور به مهدویت سبب رکود و عقب‌افتادگی در جوامع اسلامی است و اثبات چنین مطلبی اول کلام است. با توضیح معانی دوگانه برای انتظار دریافتیم که اثر سوء ذکر شده در تفاسیر، مربوط به اصل انتظار نیست، بلکه مرتبط با برداشت نادرست برخی و عملکرد سوء آنان است و ساحت مهدویت و باور به منجی، از این اباطیل می‌رست.

۳. عدم امکان تحقق این وعده

از جمله ایرادهای ابن خلدون بر مسئله مهدویت و به پیروی از وی، برخی از مفسران اهل سنت، عدم امکان تحقق این وعده الهی است. آنان می‌گویند: پیروزی مهدی علیه السلام به پشتیبانی قبیله و عشیره نیاز دارد و او چنین قبیله‌ای ندارد که پیروزی‌اش محقق شود (رشیدرضا، بی تا: ج ۹، ۴۹۹؛ مراغی، بی تا: ج ۹، ۱۳۳-۱۳۴).

پاسخ: نمی‌توان پذیرفت که وجود حامیان و طرفداران، شرط پیروزی یک انقلاب است و تا امامی از حمایت امت برخوردار نباشد نخواهد توانست حکومت جهانی تشکیل دهد. به دیگر سخن، مشروعیت بدون مقبولیت، برای اداره جامعه و رهبری کافی نیست. البته لازم نیست این حمایت حتماً توسط قوم، قبیله و عشیره باشد؛ بلکه هم می‌تواند از سوی جامعه معتقد به امام مهدی علیه السلام صورت پذیرد و هم تمامی خستگان از ظلم و بیزاران از رهبران ظالم؛ زیرا ورای سرزمین‌های اسلامی، کسانی جوینده حق و عدالت و منتظر رهبری صالح و دور از گناه (معصوم) هستند.

نتیجه

پس از بیان باورداشت مفسران اهل سنت به موضوع مهدویت و نقل و رد انگیزه‌ها و دلایل منکران این آموزه، این نتایج به دست می‌آید:

۱. باور به مهدویت از ابتدای تدوین کتب تفسیری اهل سنت، به عنوان عقیده‌ای پذیرفته شده و انکارناپذیر مطرح بوده است.
۲. رویکرد جدی در نقد اصل مهدویت با شبهه افکنی ابن خلدون آغاز شده و پس از آن در تفاسیر نیز راه پیدا کرده است.
۳. در کلام منکران مهدویت - حتی در کلام خود ابن خلدون - نمونه‌هایی از باور به مهدویت یافت می‌شود (بستوی، ۱۴۲۰: ۳۲).
۴. منکران مهدویت، برای انکار خویش دلایلی پذیرفتنی ندارند و این موضع‌گیری‌ها در تعصب یا جهل به آموزه و کارکردهای مهدویت ریشه دارد.

منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی الکرم، *النهاية في غريب الحديث*، تحقيق: طاهر أحمد الزاوی ومحمود محمد الطناحی، قم، مؤسسة إسماعيلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ ش.
- ابن جوزی، جمال الدين عبد الرحمن، *زاد المسير في علم التفسير*، تحقيق: محمد بن عبد الرحمن بن عبدالله، بيروت، دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، بيروت، دار صادر، بی تا.
- ابن عادل، ابو حفص سراج الدين عمر بن علی، *تفسير اللباب*، بی جا، بی نا، بی تا.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحرير والتنوير*، بی جا، بی نا، بی تا.
- ابن عجيبة، ابو العباس احمد، *البحر المديد في تفسير القرآن المجيد*، تحقيق: احمد عبدالله القرشي، قاهره، نشر دكتور حسن عباس زكي، ۱۴۲۲ ق.
- ابن عربي، محیی الدين ابوبکر محمد بن عبدالله، *تفسير منسوب به ابن عربي*، تصحيح: عبدالوارث محمد علی، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ابن عربي، محیی الدين ابوبکر محمد بن عبدالله، *رحمة من الرحمن في تفسير واشارات القرآن من كلام الشيخ الاكبر محیی الدين بن عربي*، جمع و تأليف: محمود محمود الغراب، دمشق، مطبعة نصر، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زكريا، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، بی جا، مكتبة الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ ق.
- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل، *تفسير القرآن العظيم*، تحقيق: يوسف عبد الرحمن مرعشلي، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- ابن منظور، محمد بن المكرم، *لسان العرب*، قم، نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
- اسفراينی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، *تاج التراجم في تفسير القرآن للأعاجم*، تحقيق: نجيب مايل هروی و علی اكبر الهی خراسانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- اطفیش، محمد بن يوسف، *تيسير التفسير للقرآن الكريم*، عمان، وزارت التراث، ۱۴۰۷ ق.
- اندلسی، ابوحيان محمد بن علی بن يوسف، *تفسير كبير (البحر المحيط)*، تحقيق: عادل عبدالموجود و علی محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

- آصفی محمد مهدی، انتظار پویا، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ۱۳۸۳ ش.
- آلوسی بغدادی، شهاب الدین محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم وسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، إستانبول، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
- بستوی، عبد العظیم عبد العظیم، المهدی المنتظر علیه السلام فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة واقوال العلماء وآراء الفرق المختلفة، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر، تحقیق: عبد الرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- بقاعی، إبراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، بی نا، بی تا.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد، الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: أحمد عبد الغفور العطار، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- حاکم حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت، تحقیق: محمد باقر محمودی، نشر وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمد بن عبدالله بن حمدویه، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- حقی بروسی، اسماعیل، روح البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، بی نا، بی تا.
- خسروشاهی، سید هادی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
- خطیب شربینی، شمس الدین محمد بن أحمد الشافعی، السراج المنیر فی الإعانة علی معرفة بعض معانی کلام ربنا الحکیم الخیر، بی نا، بی تا.
- رازی (ابن ابی حاتم)، عبد الرحمن بن محمد بن ادريس، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد طیب، صیدا، المكتبة العسیریة، بی تا.
- رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الکریم (المنازل)، بی نا، بی تا.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، بی نا، بی تا، ۱۳۸۹ ش.

- زبیدی، مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی شبری، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- سجستانی، اُبی داود بن أشعث، *سنن اُبی داود*، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- سلّمی، عزالدین بن عبدالسلام الدمشقی الشافعی، *تفسیر العز بن عبدالسلام*، تحقیق: دکتر عبدالله بن ابراهیم الوهّبی، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- سمعانی، ابوالمظفر منصور بن محمد، *تفسیر القرآن*، تحقیق: یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، عربستان، دارالوطن، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، *تفسیر سورآبادی*، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ش.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
- شنقیطی، محمد امین بن محمد، *اضواء البیان*، تحقیق: مکتب البحوث و الدراسات، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، *فتح القدير الجامع بین فنی الروایة والدراية من علم التفسیر*، بی جا، عالم الکتاب، بی تا.
- صفایی حائری علی، *تومی آیی*، قم، انتشارات لیلة القدر، ۱۳۸۳ش.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، تقدیم: خلیل المیسی، تخریج: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- طنطاوی جوهری، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*، بی جا، بی نا، بی تا.
- طه الدرة، محمد علی الحمصی، *تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه*، بیروت، دارالحکمة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- عزة دروزة، محمد، *التفسیر الحديث*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
- عسقلانی (ابن حجر)، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.

- عسکری، أبوهلال، *الفروق اللغوية*، تنظيم: بيت الله بيات، قم، مؤسسة النشر الإسلامي جامعه مدرسين، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- عظیم آبادی، محمد شمس الدین، *عون المعبود*، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- عینی، بدرالدین، *عمدة القاری*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- غزالی، أبی حامد محمد، *المستصفی*، تصحیح: محمد بن عبدالسلام، بیروت، دار الکتب، ۱۴۱۷ق.
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *المحصل*، تحقیق: طه جابر فیاض العلوانی، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
- _____، *مفاتيح الغیب*، بی جا، بی نا، چاپ سوم، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق: دکتر مخزومی و دکتر سامرای، قم، دار الهجرة، چاپ دوم ۱۴۱۰ق.
- فقیه ایمانی، مهدی، *الامام المهدی عند اهل السنة*، قم، المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۱۸ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تصحیح: احمد عبدالعلیم البردونی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، *السنن*، تحقیق و ترقیم و تعلیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- قماش، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالحمید، *جامع لطائف التفسیر*، بی جا، بی نا، بی تا.
- قمی نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- قنوجی بخاری، ابی الطیب صدیق بن حسن (صدیق حسن خان)، *الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة*، تحقیق: عبدالقادر الارناووط، دمشق، دار ابن کثیر، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
- قنوجی بخاری، ابی الطیب صدیق بن حسن (صدیق حسن خان)، *فتح البیان فی مقاصد آی القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، *تفسیر النکت والعیون*، بی جا، بی نا، بی تا.
- مبارکفوری، عبدالرحمن، *تحفة الأحوذی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- متقی هندی، علی بن حسام، *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان*، تحقیق: علی اکبر غفاری،

- قم، خیام، ۱۳۹۹ق.
- مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 - مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی* علیه السلام، قم، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
 - مطهری، محمد ثناء الله، *تفسیر المظهری*، تحقیق: غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه رشدیة، ۱۴۱۲ق.
 - مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، عالم الفکر، چاپ اول، ۱۳۹۹ق.
 - ملا حویش، عبدالقادر آل غازی، *بیان المعانی علی مسب ترتیب النزول*، دمشق، مطبعة الترقی، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
 - مناوی، محمد عبدالرئوف، *فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر*، تصحیح: أحمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
 - مبینی، رشیدالدین ابوالفضل احمد بن ابی سعد، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
 - نسفی، ابوحفص نجم الدین محمد عبدالله بن احمد، *تفسیر نسفی*، تهران، انتشارات سروش، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.
 - نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیة*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، أنوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
 - نووی الجاوی، محمد بن عمر، *مراح لیبد لکشف معنی القرآن المجید*، تحقیق: محمد امین الصناوی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
 - نیشابوری، ابی الحسین مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر، بی تا.